



وضعیت فرهنگی - اجتماعی مسلمانان آفریقا

وضعیت فرهنگی - اجتماعی مسلمانان آفریقا

سخنران

دکتر احمدعلی قانع

پژوهشکده ارتباطات فرهنگی بین الملل





وضعیت فرهنگی - اجتماعی مسلمانان آفریقا

ناشر: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات

سخنران: دکتر احمدعلی قانع

ویراستار ادبی: سیدرضا موسوی

طراح جلد: علی خورشیدپور

صفحه‌آرا: حسین آذری

شمارگان: ۵۰۰

نوبت چاپ: اول - تیر ۱۳۹۱

قیمت: ۱۰۰۰۰ ریال

چاپخانه: مینا

همه حقوق این اثر برای پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات محفوظ است:

در صورت تخلف، پیگرد قانونی دارد.

نشانی: تهران، پایین تر از میدان ولی عصر (عج)، خیابان دمشق، شماره ۹، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات

صندوق پستی ۶۴۷۴ - ۱۴۱۵۵ تلفن: ۸۸۹۱۹۱۷۷، دورنگار: ۸۸۸۹۳۰۷۶ Email: nashr@ricac.ac.ir

سخن ناشر

پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات در راستای اهداف و وظایف خود اقدام به برگزاری نشست‌هایی با موضوع‌های مختلف در حوزه فرهنگ، هنر و ارتباطات می‌نماید تا از این رهگذر فضای گفت‌وگو و تبادل نظر میان نخبگان فرهنگی کشور، نقد و بررسی مسائل و مشکلات مبتلا به جامعه را فراهم می‌سازد.

گزارش پیش رو، نتیجه نشستی است با عنوان: «وضعیت فرهنگی - اجتماعی مسلمانان آفریقا» با حضور دکتر احمدعلی قانع، که در تاریخ ۱۸ آبان ۱۳۹۰ از سوی گروه مطالعات فرهنگی جهان اسلام پژوهشکده ارتباطات فرهنگی بین‌الملل در پژوهشگاه برگزار شده است.

یادآوری می‌شود، مطالب مطرح شده از سوی سخنران، لزوماً منعکس‌کننده دیدگاه‌های مسئولان پژوهشگاه نیست.

مقدمه

«برنامه‌ریزی» یکی از مراحل مهم انجام هر فعالیتی است که انتظار می‌رود با توجه به سرمایه‌گذاری‌های انسانی و مادی، به نتایج مطلوبی دست پیدا کند. «برنامه‌ریزی فرهنگی» علاوه بر اهمیت یاد شده، پیچیدگی‌ها و ظرافت‌های خاص خود را دارد. در بررسی‌های فرهنگی تنوع جامعه مخاطب، تعدد شاخص‌ها، ویژگی‌های مورد نظر درباره محققان و بالاخره دیربازده بودن محصول کار را بر دست‌اندرکاران حوزه فرهنگ (اعم از محقق و مجری) مشکل می‌سازد.

شاید بررسی وضعیت فرهنگی - اجتماعی مسلمانان در مناطق مختلف دنیا، یکی از اولین اقدامات برنامه‌ریزی فرهنگی در حوزه ارتباطات فرهنگی با سایر کشورها، مسلمانان و دیگر ادیان و اقوام باشد. پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات در اجرای وظایف سازمانی خود مبنی بر پشتیبانی علمی از موضوعات فرهنگی و حوزه‌های مختلف آن، وضعیت فرهنگی، جایگاه و موقعیت اجتماعی مسلمانان را در مناطق مختلف دنیا از طریق برگزاری نشست‌های تخصصی، مورد بررسی، مطالعه و تدقیق قرار می‌دهد تا از

این رهگذر دست‌اندرکاران حوزه فرهنگ، علاقه‌مندان و دانشجویان را بهره‌مند نماید. «وضعیت فرهنگی - اجتماعی مسلمانان آفریقا» عنوان نشستی تخصصی است که با سخنرانی دکتر «احمدعلی قانع» از سوی گروه مطالعات فرهنگی جهان اسلام پژوهشکده ارتباطات فرهنگی بین‌الملل برگزار شده است.

وظایف پژوهشی پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات در قالب‌های مختلفی ارائه می‌شود. یکی از قالب‌ها - که آثار خوبی هم دارد - «نشست تخصصی» است. این نشست‌ها هر چند وقت یک‌بار در حوزه‌های مختلف و با پیش‌بینی موضوعات متفاوت برگزار می‌شود. این نشست‌ها آثار و نتایج خوبی هم در مورد سیاست‌گذاری فرهنگی در بخش‌های مختلف داشته است.

یکی از موضوعات مهم، بررسی وضعیت فرهنگی مسلمانان در کشورهای مختلف است. تاکنون وضعیت فرهنگی - اجتماعی مسلمانان چند کشور از جمله روسیه، آمریکای لاتین و همچنین برخی از کشورهای شرقی مورد بررسی قرار گرفته است. یکی از موارد، وضعیت فرهنگی مسلمانان در آفریقا است که از دکتر احمدعلی قانع عضو هیئت علمی دانشگاه امام صادق (ع) دعوت کردیم در این مورد به سخنرانی بپردازند. ایشان در دوره اول دانشگاه امام صادق (ع) در رشته معارف اسلامی و تبلیغ - که بعداً به الهیات تغییر نام داد - پذیرفته شده و تحصیل کردند و دارای دکترای فقه و مبانی حقوق هستند. در سال ۱۳۸۵ از طریق سازمان مدارس و حوزه‌های علمیه خارج از کشور به کشور «سیرالئون» یکی از کشورهای غرب آفریقا اعزام و به‌عنوان مدیر مجتمع آموزشی - که از یک کالج، حوزه علمیه و دبیرستان تشکیل شده بود - منصوب شدند و دو سال آنجا بودند. در سال ۱۳۸۷ از سیرالئون به کشور «غنا» شهر «آکرا» اعزام شده و به‌عنوان مسئول دانشگاهی - که جمهوری اسلامی ایران در آنجا تأسیس کرده است - منصوب شدند و سه سال هم

آنجا بودند. در خلال این سه سال کارهای تبلیغی و تدریس را هم در مراکز مختلف به زبان‌های عربی و انگلیسی انجام دادند. در همین راستا و به دلیل اینکه در مورد آفریقا به‌خصوص در باب وضعیت فرهنگی مطالعات چندانی نداشته‌ایم، امیدواریم سخنرانی ایشان فتح‌بابی برای موضوع وضعیت مسلمانان و جایگاه اسلام و برخورد دولت‌ها و فرهنگ‌ها با مسلمانان باشد. اطلاعات خوبی که امروز به جامعه فرهنگی کشور ارائه خواهد شد، قطعاً باعث جلب توجه اهل قلم خواهد شد.

بحث ما مربوط به جایی که من در آن زندگی می‌کرده‌ام، یعنی غرب آفریقا است. دو کشور سیرالئون و غنا محل کار من بوده است. به کشورهایی مثل «ساحل عاج»، «لیبریا»، «توگو» و «گینه» هم مسافرت داشتم و با مردم بقیه کشورهای غرب آفریقای مثل «بورکینافاسو»، «مالی» و «بنین» هم سروکار داشتم؛ لذا عرایضی که خواهم داشت، غرب آفریقا را شامل می‌شود و به شرق و جنوب یا شمال آن مربوط نیست؛ اگر چه ممکن است اشتراک‌هایی هم با آن مناطق داشته باشد.

وضعیت اسلام‌شناختی

به طور کلی باید بگویم که مسلمانان غرب آفریقا در وضعیت فرهنگی - اجتماعی قابل‌قبولی به سر نمی‌برند و ضعیف هستند. اکثریت قریب به اتفاق مسلمانان اهل تسنن هستند و از نظر فقهی مشهور است که مذهب آنان مالکی است. از لحاظ اعتقادی در قالب فرقه‌هایی مثل «وهابیت» (اهل السنة و الجماعة)،

«احمدی قادیانی» و همین‌طور «تیجانی» هستند ولی حقیقت این است که این مسئله از طریق ارث به آنها رسیده است و چیزی نبوده که با تحقیق و تفحص و بر مبنای مطالعه انتخاب شده باشد. اگر از مردم در مورد «مالک ابن انس»، رئیس مذهب مالکی، بپرسید که مثلاً ایشان چه کتابی دارد و فتوایش چیست و شما از چه کتابی برای مسائل عملی روزمره‌تان استفاده می‌کنید، اغلب هیچ جوابی ندارند و در نهایت جوابشان این است که از عالم محل استفاده می‌کنیم.

داستان عالم محل هم این است که این افراد کسانی هستند که مسئولیت مسجد از طریق وراثت به دستشان رسیده است. یکی از کارهایی که دانشگاه اسلامی غنا انجام داد، این بود که در سال آخر مأموریتیم از علمای بیش از ۷۰ مسجد شهر آکرا دعوت کردیم و برایشان هر هفته کلاس‌های آموزشی و تمرینی برگزار کردیم. در این کلاس‌ها کیفیت صحیح نماز و احکام ابتدایی آن، قرائت قرآن، مسائل ابتدایی اصول عقاید، اخلاقیات اسلام و امثال اینها را یاد می‌دادیم. اجمالاً وقتی علمای ملتی در این حد باشند - که نیاز به کلاس‌های ابتدایی آموزش دین داشته باشند - دیگر وضعیت عموم مردم روشن است.

اگر بتوانیم معارف اسلام را به این اقسام تقسیم کنیم که دین عبارت است از: عقاید، احکام، اخلاقیات و اطلاعاتی درباره تاریخ دین، تاریخ اسلام، شناخت قرآن و این قبیل مسائل، وقتی که می‌خواهیم راجع به وضعیت فرهنگی و دینی این مردم صحبت کنیم، باید ببینیم که از لحاظ دانش عقاید در چه سطحی هستند. واقعیت این است که مردم این منطقه در وضعیت بسیار ضعیف و پایینی هستند. بله، به خدا معتقد هستند ولی اینکه بتوانند با استدلال کوچکی خدا را اثبات کنند و بتوانند در مورد صفات خداوند متعال اطلاعاتی داشته باشند، چنین کاری را نمی‌توانند انجام دهند. دغدغه علمای آنها - با همان وضعی که گفتم - تأمین زندگی شخصی است.

کشورهایی مثل «عربستان»، «کویت»، «لیبی» و شاید «پاکستان» افرادی را از این کشورها به شکل بورسیه خارج می‌کنند و سال‌های سال به صورت رایگان تعلیم می‌دهند. اینها به کشورشان برمی‌گردند ولی وقتی که برمی‌گردند، می‌بینیم که در چند زمینه قوی هستند: یکی در زمینه زبان عربی، دیگری قرائت و تلاوت قرآن و سومی حفظ آن. با این حال، متأسفانه در فهم قرآن و احکام، چیزی جز ضعف از آنها دیده نمی‌شود.

بهره هوشی مردم آفریقا به‌طور کلی کم است. آزمایش‌های هوشی هم این را برای ما و دیگران اثبات کرده است و از لحاظ اخلاقیات باید بگوییم که باز در جایی که دین و معارف دینی حاکم نباشد، در سطح مطلوبی نیستند. من به بعضی نمونه‌ها اشاره می‌کنم. دروغ - که کلید همه اشرار و شرور است - خیلی راحت در بین مردم جریان دارد. خیانت در اموال، خلف وعده، صفت امروز و فردا کردن و صبر بیش از حد یا به تعبیر دیگر بی‌خیالی بیش از حد است و کاری را که باید یک روزه انجام دهند، گاه تا یک ماه طول می‌دهند و اصلاً این را عیب نمی‌دانند. اما ما برای رفع ضعف‌ها چه کردیم؟ جمهوری اسلامی شاید یکی دو سال بعد از پیروزی انقلاب اسلامی دو کار را در عرض هم انجام داد. یکی از این دو، دعوت از طلاب کشورهای دیگر و به تعبیر دیگر دانش‌آموزانی که قابلیت داشتند در ایران درس بخوانند، بود. اینها در قم در مرکزی به نام «مرکز جهانی علوم اسلامی» گرد آمدند. فعالیت دوم، ایجاد مراکزی در بسیاری از کشورهای آفریقایی و غیر آفریقایی جهت تعلیم و تربیت بود. بدین ترتیب حوزه علمیه، دانشگاه و در بعضی جاها دبیرستان و امثال آن تأسیس شد. قسمت دوم را مؤسسه‌ای به نام سازمان مدارس و حوزه‌های علمیه خارج از کشور انجام داد. این دو مؤسسه در سال ۱۳۸۷ در هم ادغام شد و جامعةالمصطفی‌العالمیه را تشکیل داد که حتماً عزیزان مستحضر هستند و آنجا را

می‌شناسند. جامعه‌المصطفی کارهای خوبی کرده است و شکی در آن نیست و بنده هم پنج سال با سازمان مدارس و جامعه‌المصطفی همکاری داشته‌ام. الان هم باز ارتباطم قطع نشده است ولی نکته‌ای که اینجا می‌خواهم عرض کنم - که به خودشان هم گفته‌ام و نوشته‌ام - این است که باید از تجربه ۳۰ سال گذشته استفاده بیشتری ببرند و نواقص را رفع کنند و بیشتر از نیروهای مادی و انسانی که دارند، چه در داخل جامعه‌المصطفی و چه به صورت مأمور از مراکز دیگر استفاده کنند. هیچ مؤسسه‌ای نمی‌تواند ادعا کند که من کارم مطلوب بوده است و هیچ نقصی ندارم. نواقص متعدد چه در داخل - که کار مرکز جهانی بوده است - و چه در خارج - که کار دانشگاه‌ها و حوزه‌های علمیه است - همه نواقصی دارند که بررسی آن موارد بحث مستقلاً می‌طلبند و بنده به عنوان کسی که پنج سال همکاری داشته‌ام می‌توانم نکاتی را عرض کنم.

اصل بحث ما این است که مسلمانان چه در آفریقا و چه در غرب آفریقا از لحاظ فرهنگی و دینی ضعیف هستند. مثال‌هایی دارم که به آنها اشاره می‌کنم. قسمتی از دین، احکام و عمل به دستورات دین است که اگر انسان‌ها عمل کنند، یقیناً به سعادت دنیوی و اخروی می‌رسند و اگر عمل نکنند، موفق نخواهند شد. در مسائلی مثل ارث و میراث - که یک بحث اجتماعی هم هست و همه مردم هم با آن سروکار دارند - بحث نکاح و طلاق، بحث قصاص و دیات، یعنی بحث‌های معاملاتی و غیر عبادی که بیشتر با جامعه سروکار دارد، اطلاعات دینی آنها ناقص است. بحث عبادات هم همین‌طور است. البته به نماز جمعه توجه می‌کنند و حضور آنها خوب است ولی خطیب جمعه چه چیزی بیان می‌کند؟ حدیثی به عربی می‌خواند و گاه ترجمه هم نمی‌کند. گاه خودش هم خوب نمی‌فهمد. این کل خطبه نماز جمعه آنان است. برای اینکه ثوابی ببرند، خطبه‌ای می‌خوانند. در این حد هم قابل تقدیر است ولی واقعاً باید پیشرفت کنند و به جایی برسند که مردم از

این خطبه‌ها بهره‌مند شوند. در بحث خوردنی‌ها و نوشیدنی‌ها وقتی که ما یک خطبه برایشان خواندیم و نوشیدنی‌ها و خوردنی‌های حلال و حرام را برایشان بیان کردیم، کسانی که در دانشگاه درس خوانده‌اند، گفتند خطبه را به آنها بدهم چون تا آن موقع نمی‌دانسته‌اند که مثلاً خوردن مار و تمساح حرام است. این افراد نسبت به مسائل ابتدایی دین اسلام بی‌بهره و ناآشنا هستند.

از نظر اخلاقیات هم که اشاره‌ای داشتم و دو سه مورد دیگر هم عرض می‌کنم. پیامبر اکرم (ص) فرمودند که «إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ»^۱. در دعاها هم داریم که: «اللّٰهُ هَبْ لِي مَعَالِيَ الْأَخْلَاقِ»^۲. معالی اخلاق یعنی اخلاق‌های پسندیده و شرافتمندانه در میان این مردم بسیار کم دیده می‌شود. اگر شما به عنوان مثال هزار تومان به یک نفر هدیه بدهید و ۱۰ دقیقه بعد بخواهید یک تومان از او پس بگیرید، نخواهد داد. اگر در مؤسسه‌ای فردی را استخدام کنید و ۱۰ سال به او حقوق بدهید و بعد از آن، حقوق یک ماه کمی دیر شود شما را انسان بسیار بدی خواهد دانست و سر و صدا راه می‌اندازد. خلاصه، مکارم اخلاق را در میان این افراد نمی‌بینید یا کم می‌بینید. دلیلش هم همان است که گفتم، دین در آنجا اجرا نشده است.

ضعف اجتماعی - اقتصادی

باید توجه داشت که همه کشورها در یک سطح نیستند؛ برخی کشورها مثل «موریتانی»، «سیرالئون» و «لیبریا» بسیار فقیرند و برخی کشورها مثل «ساحل عاج» و «غنا» غنی‌ترند. کشورهای دیگر هم حد وسط هستند. اما به‌طور کلی باید گفت که علت‌های فقر در همه کشورهای غرب آفریقا سریان و جریان دارد. به‌عنوان نمونه پرجمعیت بودن خانواده‌ها و حقوق‌های کم کارگران و کارمندان از علل فقر

۱. «همانا برای تکمیل کرامت‌های اخلاقی مبعوث شده‌ام.» (کنز العمال، جلد ۳، صفحه ۱۶)

۲. «خدایا به من اخلاق پسندیده بده.» (دعای مکارم‌الاخلاق صحیفه سجاده)

است. کشاورزی سنتی است و سازوکار پیشرفته ندارد. سازمان‌ها و حکومت‌ها به مسیحیان کمک می‌کنند اما به مسلمان‌ها کمک نمی‌کنند و گاهی تعمد دارند که این‌طور باشد. تنبلی ذاتی مردم و نداشتن عقل معاش هم مزید بر علت است. مردم برای آینده خود فکری ندارند. دوستی به شوخی می‌گفت: «توکل اینها خیلی بالاست! اگر امروز پولی پیدا کنند تمام آن را خرج می‌کنند و نمی‌گویند که فردایی در راه است.» عدم استفاده از مواهب طبیعت علی‌رغم کثرت آن در منطقه هم دلیل دیگری برای این موضوع است.

مردم و حکومت‌ها از لحاظ اجتماعی - سیاسی ضعیف هستند و ضعفشان علل مختلف دارد. حکومت سیرالئون ۶۰ سال است که مستقل شده و ۸۰ تا ۸۵ درصد مردم این کشور مسلمان هستند. تاکنون ۹ رئیس‌جمهور سر کار آمده و علی‌رغم شعارهایی که داده می‌شود، از این ۹ نفر هشت نفر مسیحی بوده‌اند. این در حالی است که ۱۵ درصد مردم یا نهایتاً ۲۰ درصد مسیحی هستند. این پدیده علل متفاوتی داشته است. یکی اینکه اصحاب قدرت به مسیحیان کمک می‌کنند. این کمک‌ها از جنبه‌های مالی، فکری، نظامی و صورت‌های دیگر انجام می‌شود. علت دیگر اینکه «تز جدایی دین از سیاست» وجود دارد و آنها واقعاً سیاست را جدای از دین می‌دانند. این کاری بود که در ایران هم می‌خواستند انجام دهند که به برکت حضرت امام (ره) و پیروزی انقلاب اسلامی عملی نشد. الان همه مردم ما سیاسی هستند و سیاست را جزو دین می‌دانند. من در یکی از مساجد آنجا سخنرانی کردم و عنوان صحبت من این بود که شما با این مواهب طبیعت که دارید؛ با این انهار، درختان، دریا، با این حاصلخیزی زمین و امثالش استفاده مناسب نمی‌برید. چرا دامداری ندارید؟ چرا تربیت زنبور عسل ندارید؟ چرا از این مواهب استفاده نمی‌کنید و فقیر هستید؟ مردم هم از این مسئله استقبال کردند. بعد از جلسه از روحانی مسجد سؤال

کردم: «شما از این قبیل مسائل برای مردم می‌گویید؟» گفت: «نه مسائل دینی می‌گوییم.» گفتم: «مسائل دینی چیست؟» گفت: «نماز، روزه، معاد و آخرت. این‌ها - که شما می‌گویید - که مسائل دینی نیست.» واقعا تز جدایی دین از سیاست باعث شده است که مسلمان‌ها خودشان را از امور اجتماعی - سیاسی کنار بکشند.

کشور غنا یک‌سوم مردمش مسلمان هستند ولی متأسفانه تا به حال رئیس‌جمهور مسلمان نداشته است. نسبت‌سنجی که بکنیم می‌بینیم در کابینه و مجلس هم مسلمانانی که پست‌های کلیدی کشور را در دست دارند، بسیار کمتر از میزان یک‌سوم جمعیت مسلمان آن کشور هستند. علت‌هایی که در مورد ضعف مردم سیرالئون عرض کردم، در غنا هم وجود دارد ولی در سیرالئون اوضاع بدتر است. اگر در دانشگاهی امر دایر بین این باشد که یک دانشجوی مسیحی را بپذیرند یا یک مسلمان را، به دانشجوی مسیحی پذیرش می‌دهند. اگر ناشر مسلمان و ناشر مسیحی برای پیشنهاد چاپ اثری مطرح باشند، حتماً آن کار را به مسیحی می‌دهند و از این جهت مسلمان بی‌بهره می‌ماند. در توزیع شغل همین‌طور است.

اگر در سیرالئون کسی مریض شود، می‌گویند یا مرگ یا صبر را انتخاب کند. یا تحمل می‌کند و خوب می‌شود یا می‌میرد ولی کشور غنا از لحاظ بهداشت در وضعیت بهتری است. در غنا وقتی کسی مریض می‌شود و می‌خواهد به پزشک مراجعه کند، باید ۳۰ دلار بپردازد. داروهایی که در داروخانه‌ها توزیع می‌شود، در مقایسه با کشور خودمان تقریباً ۱۰ برابر هزینه دارد. بسیاری از مردم قدرت خرید ندارند چرا که حقوق‌شان در قیاس با حقوق پرداختی در کشور ما نصف یا حتی کمتر از نصف است. کیفیت و کمیت خانه‌هایی که دارند، بسیار فقیرانه است. من به خانه بعضی از استادان دانشگاه رفتم و دیدم واقعاً کوخ و بی‌غوله‌ای بیش نیست. چیزی به اسم مسافرت و تفریح اصلاً در فرهنگ‌شان وجود ندارد. باغی در حومه

شهر آکرا بود که هر مسافر ایرانی که می‌آمد، می‌بردیم آنجا را ببیند؛ در حالی که افراد بومی آنجا نمی‌دانستند که این باغ کجاست.

هر یک از این دو کشور حدود ۴۰۰ کیلومتر مرز آبی با اقیانوس اطلس دارند ولی قدرت این را ندارند که از ماهی خدادادی طبیعت استفاده بکنند. قیمت ماهی در آنجا از قیمت ماهی در تهران بالاتر است. طبیعتاً اگر کسی حقوق‌اش نصف حقوق ما باشد، نمی‌تواند استفاده کند. خودشان را به غذاهای ساده آفریقایی مشغول می‌کنند که نتیجه آن ضعف جسمانی و قوه هوش و درایت آنها می‌شود. مجموع این مسائل دست در دست هم می‌دهد و اینها مصداق این حدیث مبارک پیامبر اکرم (ص) هستند که فرمودند: «مَنْ وَجَدَ مَاءً وَ تَرَاباً ثُمَّ افْتَقَرَ أَبْعَدَهُ اللَّهُ»^۱ من این حدیث را برای خودشان هم خوانده‌ام و گفته‌ام که همه مواهب را دارند ولی استفاده نمی‌کنند. آنها ندار هستند و دستشان را به سمت کشورهای دیگر دراز می‌کنند. در برخی از جلسات‌شان افتخار می‌کنند که ما از فلان کشور یا سازمان این قدر هدیه گرفتیم؛ ولی اینکه خودشان کاری انجام دهند، در فرهنگ‌شان نیست.

توصیف وضعیت طبیعی و خدادادی

غرب آفریقا کشورهایی دارد که از لحاظ مواهب طبیعی بسیار قوی هستند. من لطیفه‌ای شبیه به واقع عرض می‌کنم. وقتی خداوند متعال قاره‌های مختلف را آفرید، در هر قاره‌ای چند معدن و موهبت طبیعی قرار داد. وقتی به آفریقا رسید، همه موهبت‌های مختلف زیرزمینی، روزمینی و آسمانی را در آنجا قرار داد. فرشتگان اعتراض کردند که خدایا چرا چنین کردی؟ خداوند گفت: «من مردمی را در اینجا می‌آفرینم که نتوانند از هیچ‌کدام از اینها استفاده بکنند!» این یک مزاح است و در

۱. «هر کسی آب و زمین در اختیار داشته باشد و ادعای فقر کند، خدا او را از رحمتش دور می‌کند.» (وسائل الشیعه، ج ۱۷: ۴۰)

بین مردم آنجا هم این مسئله مشهور است ولی از طرفی این اتفاق رخ داده است. دو سه کشوری که من در آنجا اقامت داشتم و سه چهار کشور دیگر هم سفر کرده‌ام و دیده‌ام، وضعیتی این چنین دارند. میزان بارش سالانه باران در سیرالئون پنج متر در سال و در غنا سه متر است. تا جایی که خاطریم هست میزان بارش سالانه در کشور ما کمی بیش از نیم متر است.^۱ با این حال، در سوپرمارکت‌های این کشورها آب نوشیدنی اروپایی عرضه می‌شود که نیم لیتری آن، نیم دلار است. این هم برای خارجی‌هاست و گرنه مردم خودشان که نمی‌توانند این هزینه را بدهند.

زمین‌های بسیار حاصلخیزی وجود دارد که اصلاً نیاز به کود ندارند. جنگل‌های انبوه، علفزارهای طبیعی، درختان طبیعی و غرس شده با میوه‌هایی مانند موز، پرتقال، انبه، لیمو، پاپایا، نارگیل، پالم، آناناس و امثالش فراوان هستند. علی‌رغم اینکه کشور این گونه است، محصولات کشاورزی بسیار گران هستند. هویج، گوجه، کدو و امثالش را دانه‌ای می‌خرند. قیمت هم پنج شش برابر و حتی ۱۰ برابر قیمت همان محصولات در ایران است. هندوانه را مثال می‌زنم. یک هندوانه دو کیلویی را باید به قیمت دو تا پنج دلار بخرند؛ در حالی که محصول خودشان است. دلیل این مشکلات سنتی بودن کشاورزی آنهاست. تلاش مطلوب برای کشاورزی هم انجام نمی‌دهند. از بذرهای پیشرفته و تکامل یافته استفاده نمی‌کنند. شیوه‌های جدید را بلد نیستند و ماشین‌آلات مناسب هم ندارند.

صنعت دامپروری و دامداری در این کشورها بسیار ابتدایی است. چیزی به اسم تولید لبنیات در میان مردم آفریقا شناخته شده نیست؛ در حالی که می‌شود دامداری داشته باشند و جزو صادرکننده‌های دام، طیور و لبنیات باشند. لبنیات از «لبنان» و

۱. میانگین بارش سالانه در کشور ایران ۷۵ سانتی‌متر اعلام شده است. (منبع:

«دبی» و از کشورهای اروپایی وارد می‌شود و خودشان تولید شیر ندارند که از گاوهایشان بگیرند و استفاده کنند. قیمتش را هم اشاره می‌کنم که یک ظرف ماست نیم کیلویی - چون دارد از خارج می‌آید - تقریباً به قیمت چهار دلار عرضه می‌شود. قیمت پنیر از این هم بالاتر است.

معادن زیرزمینی مثل الماس در سیرالئون یا طلا در غنا وجود دارد. معادن دیگری مثل بوکسیت، آهن، تیتانیوم، روتایل و غیره هم هست و اخیراً در کشور غنا نفت کشف کرده‌اند. همین‌جا نکته‌ای عرض کنم که اتحادیه‌ای به نام «اتحادیه مسلمانان کشور غنا» وجود دارد که اصطلاحاً «کموک» نامیده می‌شود. مسئول این اتحادیه به من گفت که آمریکایی‌ها ۵۰ نفر از دانش‌آموزان آنها را انتخاب کرده‌اند و می‌خواهند برای یادگیری دانش نفت ببرند. قاعدتاً اینها به عنوان کارشناسان رشته نفت برمی‌گردند. آمریکا به اینها درس داده است و در نتیجه اینها دیگر وام‌دار آمریکا هستند. همه‌شان هم مسیحی هستند و هر کاری که بکنند به نفع آنها خواهد بود. این بنده خدا از من درخواست می‌کرد که چون کشور ایران در این زمینه مستعد است، اگر بتوانیم چند نفر از بچه مسلمان‌ها را برای تحصیل در زمینه نفت به ایران بیاوریم. من به برخی از مراکز نامه نوشتم و فرستادم که اگر می‌توانند این کمک را به جمعیت مسلمانان انجام دهند.

شما اگر از داخل هواپیما کشورهای غرب آفریقا را ببینید، جز آب، سبزی و درخت چیزی نمی‌بینید. زمین‌هایشان به رنگ قرمز و بسیار حاصلخیز است؛ زمین خشک نمی‌بینید ولی وقتی که پایین می‌آید، لوله‌ها آب ندارد. رودخانه «ولتا»، یکی از بزرگ‌ترین رودخانه‌های دنیا، پر از آب شیرین است اما صنعت آب‌رسانی ندارند. وقتی ما از خلیج فارس رد می‌شویم و سرزمین ایران را نگاه می‌کنیم، جز کوه‌های خشک چیزی نمی‌بینیم ولی پایین که می‌آییم، آب فراوان، میوه‌جات و

نعمت‌های فراوان را مشاهده می‌کنیم. بنده کشورهای آفریقایی و البته برخی کشورهای آسیایی را دیده‌ام. علی‌رغم اینکه منکر بحث تورم و برخی بیماری‌های اقتصادی نیستم، اما کشور ما جزو کشورهای ارزان دنیاست. ما جزو کشورهای هستیم که نعمت‌های الهی در آن بسیار فراوان و ارزان است. واقعاً باید قدر بدانیم و باید این جو ناسپاسی و ناشکری را - که در بین خیلی از مردم ما وجود دارد و دائماً ناسپاسی می‌کنند - رفع کنیم. شما وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی هستید و با فرهنگ و ارتباطات سروکار دارید. واقعاً باید از این آیه قرآن درس بگیریم که خداوند متعال می‌فرماید: «وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ آمِنَةً مُطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِنْ كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعُمِ اللَّهِ فَأَذَاقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ»^۱

توصیف وضعیت بهره‌برداری و کمک کشورهای دیگر

بنده کشورها را به سه قسم تقسیم می‌کنم: کشورهای قدرتمند غارتگر مثل «آمریکا»، «انگلیس»، «آلمان» و کشورهای اروپایی که در آنجا سفارتخانه دارند. سفارتخانه‌های آنها بسیار مفصل با نیروهای فراوان است. اینها اگر می‌خواستند به مردم آفریقا کمک کنند، سه مشکل اساسی این کشورها را - که آب‌رسانی، برق و جاده باشد - حل می‌کردند. کار سختی نیست؛ چون مواهب طبیعی در آنجا وجود دارد ولی اینها نخواستند. نه تنها نخواستند بلکه گزارش‌هایی وجود دارد که اگر یک کشوری بخواهد برود در آنجا کار اساسی انجام بدهد، کارشکنی می‌کنند و نمی‌گذارند. من دو سه مورد شنیده‌ام که یک موردش را عرض می‌کنم. وزیر کشاورزی ما به کشور سیرالئون فقیر می‌رود. با اینکه قبلاً قرار ملاقات داشته‌اند که

۱. «و خدا شهری را مثل زده است که امن و امان بود [و] روزیش از هر سو فراوان می‌رسید؛ پس [ساکنانش] نعمت‌های خدا را ناسپاسی کردند و خدا هم به سزای آنچه انجام می‌دادند، طعم گرسنگی و هراس را به [مردم] آن چشاند.» (سوره نحل، آیه ۱۱۲)

با وزیر کشاورزی آنجا ملاقات کند، اما به بهانه‌های مختلف نمی‌گذارند که این دو وزیر کشاورزی با هم ملاقات کنند و در مورد برنامه‌هایی که جمهوری اسلامی می‌خواهد در آنجا پیاده کند، صحبت کنند. آیا این آفریقایی است که فکر می‌کند نباید وزیر کشاورزی جمهوری اسلامی ایران را ببیند یا سفارت آمریکا است که در آنجا خط می‌دهد و جلوی این ملاقات را می‌گیرد.

هلال‌احمر ما می‌خواهد کانتینری پر از دارو را وارد کشور آنها بکند و مردم مریض و فقیر آن کشور را معالجه کند اما حکومت آنجا می‌گوید که باید ۳۰ هزار دلار هزینه گمرکی پرداخت شود. ایران نمی‌خواهد تجارت کند؛ این کمکی برای آنهاست. پرداخت گمرکی برای چیست؟ البته قسمتی از این مسئله به خشک‌مغزی خودشان برمی‌گردد که چند سال پیش در روزنامه‌ای نوشتند عربستان از گوشت‌های قربانی - که بانک توسعه اسلامی می‌فرستد - به عنوان هدیه و کمک فرستاده ولی گمرکشان گفته که باید هزینه گمرکی بپردازید تا جایی که گوشت‌ها خراب شد و در دریا ریختند و در روزنامه‌هایشان این مطلب را نوشتند. بدین ترتیب، ما شاهد ضعف اقتصادی، فکری و فرهنگی هستیم. در همین کشور مشهور بود که ساختن یک سد توسط ایتالیایی‌ها سی و چند سال پیش شروع شده است. آیا کسی باور می‌کند که ساخت یک سد سی و چند سال طول بکشد؟ این بهانه‌ای است که در کنارش حفاری‌های مختلف در آن منطقه انجام بدهند و به الماس و ذخایری از این قبیل برسند. این دسته اول از کشورها هستند که کشورهای قدرتمند غارتگر هستند.

دسته دوم کشورهای فعال اقتصادی مثل «چین»، «هند» و لبنان هستند. هزاران نفر از این کشورها در کشورهای مختلف آفریقایی در روستاها، شهرها و پایتخت حضور دارند اما دارند سازندگی می‌کنند؛ هتل می‌سازند؛ راه می‌سازند؛ تجارت می‌کنند؛ رستوران تأسیس می‌کنند؛ مدرسه راه می‌اندازند؛ کار می‌کنند و برداشت هم می‌کنند.

اینها سازندگی می‌کنند و در کنارش خودشان هم بهره‌مند می‌شوند. گزارشی خواندم که تجار لبنان از این راه هر ساله بین ۶۰ تا ۷۰ میلیارد دلار پول وارد کشورشان می‌کنند. دسته سوم کشورها مشهور هستند که خرج می‌کنند بدون اینکه برداشت کنند. ایران و «لیبی» در این دسته هستند. پرونده لیبی که در این زمینه بسته شد اما ما هنوز خرج می‌کنیم و برداشت اقتصادی نداریم. این در حالی است که امام حسن مجتبی (ع) فرمود: «وَأَعْمَلُ لِدُنْيَاكَ كَأَنَّكَ تَعِيشُ أَبَدًا وَأَعْمَلُ لآخِرَتِكَ كَأَنَّكَ تَمُوتُ غَدًا»^۱. وقتی مواهب فراوان دنیوی در قاره‌ای به فراوانی وجود دارد، چرا ما استفاده نکنیم و یک‌طرفه فقط پول ببریم و خرج کنیم؟ از طریق سفارت‌مان، از طریق رایزنی‌مان، از طریق جهادمان، از طریق جامعه‌المصطفی، یک‌طرفه می‌بریم و خرج می‌کنیم. بله برداشت معنوی می‌کنیم و وظیفه‌مان است که اسلام را نشر بدهیم و از جنبه سیاسی با کشورها ارتباط داشته باشیم ولی به هر حال راه بسته نیست که ما این پولی را که سرمایه‌گذاری می‌کنیم نه تنها به همان مقدار، بلکه بسیار بیشتر از آن برداشت کنیم.

حوزه‌های علمیه‌ای داریم که پول استاد، خوابگاه، معالجه طلبه‌ها و غیره را می‌دهیم و هیچ پولی هم نمی‌گیریم. در دانشگاهی که بنده مسئولش بودم، افراد شهریه می‌دادند و این دانشگاه هزینه جاری خودش را تأمین می‌کرد. ملاحظه کنید هر دو مکان آموزشی است؛ در هر دو جا اسلام تدریس می‌شود؛ در هر دو جا ما به اهداف فرهنگی و دینی‌مان می‌رسیم اما یک‌جا فقط داریم پول خرج می‌کنیم و یک‌جا حداقلش این است که اگر سود نمی‌بریم، ضرر هم نمی‌کنیم. امثال این فراوان است. ما اگر هم نمی‌خواهیم مثل چینی‌ها و لبنانی‌ها جریان پول از آن کشور به کشور خودمان باشد، می‌شود حداقل روندی برابر باشد و یک‌طرفه بردن و خرج کردن نباشد.

۱. «برای دنیابت چنان کار کن که گویا برای همیشه [در این دنیا] خواهی بود و برای آخرت چنان تلاش کن که گویا فردا از دنیا خواهی رفت.» (بخارالانوار، ج ۴۴: ۱۳۹)

خیلی کارها می‌شود انجام داد که من نمونه‌هایش را نوشته‌ام. موضوعاتی مثل کشاورزی، نفت، معدن، تدریس فنون در دانشگاه‌ها، تأسیس دانشکده طب و پرستاری، تأسیس مدارس و دانشگاه‌های فنی و حرفه‌ای، آب‌رسانی، سدسازی، تولید برق و برق‌رسانی و تأسیس کارخانه‌های صنایع تبدیلی مقوله‌هایی هستند که آنجا تشنه اینها هستند. وقتی فصل «منگو»، یعنی انبه می‌رسد، می‌بینید که از در و دیوار انبه ریخته است و خراب می‌شود اما صنایع تبدیلی ندارند که اینها را تبدیل کنند. آب‌میوه‌ها ساخت «اسرائیل»، «آفریقای جنوبی» و لبنان است. ما ایرانیان، هم هوش خوب و هم تخصص داریم و می‌دانید دانشگاه‌های ما دارد این همه متخصص تولید می‌کنند. ما خیلی وقت‌ها از کمبود کار نگران هستیم. جای کار در این دانشگاه‌ها فراوان است و اگر ما حرکت نکنیم، جایمان را می‌گیرند. چینی‌ها حرکت کرده‌اند و آدم‌های زحمت‌کش، کم‌توقع و پرهمتی هستند. از سود کم شروع می‌کنند تا به سودهای بالا برسند. از یکی از سفرها پرسیدم که چرا ایرانی‌ها نمی‌آیند اینجا راه بسازند؛ سد تأسیس بکنند و لوله‌های آب‌رسانی و امثالش را راه بیندازند. ایشان گفت به دلیل توقع بالای شرکت‌ها و افراد ما این کار انجام نمی‌شود. شرکتی می‌آید و می‌خواهد خیلی زود و سریع به نتیجه برسد آن هم نتیجه خیلی بالا در حالی که چینی‌ها می‌آیند با توقع کم کار می‌کنند. مثال کاری که انجام شده است را عرض می‌کنم. می‌خواهند اتوبانی را تأسیس کنند. به دولت آفریقایی می‌گویند پولش را بدهد. دولت می‌گوید فقیر است و ندارد. می‌گویند اشکالی ندارد. قراردادی امضاء می‌کنند که وقتی جاده درست شد تا ۱۰ سال عوارض جاده برای آنها باشد. فکر نکنید عوارض کم است. برای ۱۰ کیلومتر مسیر حدود ۷۰۰ تومان می‌گیرند که خیلی بیشتر از عوارض جاده‌های ماست.

نهادهای جمهوری اسلامی ایران در آفریقا؛ بایدها و نبایدها

آنچه عرض می‌کنم بر مبنای مشاهدات و اعتقادات خودم است. نه آماری دستم است و نه قدرت اثبات آن را دارم. به فرد خاصی هم کار ندارم. صحبتیم با سفیر خاص یا کارمند خاصی نیست. موضوع را به صورت کلی عرض می‌کنم. بالاخره پنج سال آنقدر زمانی هست که انسان بتواند نهادهای جمهوری اسلامی ایران در خارج را ارزیابی کند و به یک نظری برسد. آن نظری که من به آن رسیده‌ام، نظر خوشحال‌کننده‌ای نیست. فرض کنید سفارتخانه‌ای هفت هشت نیرو دارد که حقوق‌های نسبتاً بالایی یورویی، اجاره‌خانه‌های نسبتاً بالا، هزینه‌های نسبتاً بالای خود و خانواده را دارند. اگر اینها را جمع بزنید، مبلغ کلانی می‌شود. پیشنهادم این است که از یکی از سفرها که در حال حاضر مشغول کار سفارت نیست و کارش تمام شده است، بخواهید که بنویسد در طول دوره چند ساله سفارتش چه عایدات اقتصادی، فرهنگی و سیاسی برای جمهوری اسلامی ایران داشته است. بله ممکن است که یکی از گزارش‌هایش این باشد که ما اینقدر بودجه از ایران گرفتیم و در آنجا خرج کردیم. مثلاً ما در این کشور اینقدر مدرسه ساختیم و دست آفریقایی‌ها دادیم. بحث سر عواید است. حتی شده که آفریقایی‌ها می‌گویند که فلان مدرسه را ایرانی‌ها ساخته‌اند و حالا که شیشه‌اش شکسته، پولش را بدهند.

من در جریان بعضی از کارهایی که می‌شد بوده‌ام که این را عرض می‌کنم. زمانی کمیونی در آنجا برگزار می‌شد و من هم بودم و دیدم که همه چیز یک‌طرفه است. من ایرانی از این کار ناراحت می‌شوم. به خودشان هم گفته‌ام؛ نه اینکه نگفته باشم. به یکی‌شان گفتم که ما از قرارداد ترکمن‌چای ناراحت بودیم ولی این قراردادی که شما نوشته‌اید، از آن قرارداد بدتر است؛ چون هیچ چیزش به نفع ما نیست. ما به آنها وام بدهیم؛ آموزش بدهیم؛ از این قبیل کارها بکنیم و چیزی هم

برای ما نباشد. قراردادهای همیشه باید دو طرفه باشد. ما جهاد کشاورزی داریم که از ۲۰ سال پیش به این طرف در بعضی از کشورها مثل سیرالئون و غنا حضور داشته و سال‌های سال، کارش صرفاً کمک‌رسانی بوده است. مدرسه، چاه‌آب و مسجد می‌ساختیم و در اختیار آنها قرار می‌دادیم. الان آن بودجه را نداریم و به همین دلیل سمت کشاورزی رفته‌ایم که البته وضعیت مطلوبی وجود ندارد. یکی از کارکنان همین قسمت می‌گفت که برای کار بودجه ندارند. پرسیدم: «پس چرا مانده‌ای؟» جواب داد: «حقوق ما می‌آید؛ خرج می‌کنیم و به ایران برمی‌گردیم.»

خلاصه، ما خرج‌هایی می‌کنیم که برای خودمان عایدی ندارد و گاهی برای آنها هم ندارد. مؤسسه‌ای که اسمش را نمی‌برم یک لیسانس رشته برق را برای کار فرهنگی می‌فرستند و ماهی ۴ هزار یورو به وی حقوق می‌دهد. این شخص از رئیس خودش هم اطاعت نمی‌کند؛ لیسانس برق چه ارتباطی به فرهنگ دارد؟ اصلاً تخصص دارد؟ حالا یک جایی بوده است و نوبتش شده و به هر حال برای مأموریت فرستاده‌اند. من از این مثال‌ها فراوان دارم که حقیقتاً نمی‌توانم تصریح کنم. چه بسا فایده‌ای هم ندارد. فقط آنجا هم که بودیم سر این قضایا حرص می‌خوردیم که چرا ما باید این‌طور ریخت و پاش کنیم. یکی از دوستان ما به مزاح می‌گفت: «تو مگر نیامده‌ای اینجا دلار جمع کنی و برگردی؟ بگذار بقیه هم دلارشان را جمع کنند. چه کار داری به اینکه فلانی چه می‌کند؛ پول هدر می‌دهد یا مثلاً مبلغ غذای طلبه‌ها را یک دفعه دو برابر می‌کند و خود آفریقایی هم تعجب می‌کنند که چه خبر است؟» هیچ ریخت و پاش‌کننده‌ای این‌طور ریخت و پاش نمی‌کند. تأسف در اینجا است که «خرج چو از کیسه مهمان بود/ حاتم طایی شدن آسان بود».

من چند مثال دیگر برای شما می‌زنم. این مثال‌ها اظهر من الشمس است و چیزی نیست که من تنها بدانم. همه کسانی که آمده‌اند اینها را می‌دانند. مسجدی

در آکرا ساخته می‌شود که یک و نیم میلیون دلار هزینه داشته است. من این را در جلسه‌ای در همان‌جا گفتم که ما داخل کشورمان وقتی می‌خواهیم مسجد بسازیم، صندوق صدقات می‌گذاریم و پلاستیک در نماز جمعه در دست می‌گیریم که مردم کمک کنید. چطور یک‌دفعه یک و نیم میلیون دلار برای ساخت مسجدی در آنجا در نظر گرفته می‌شود. ممکن است بگویید که ما پول نفت که داریم و شئونات جمهوری اسلامی ایران را هم که باید حفظ کنیم. بالاخره ما کشور ثروتمندی هستیم. اگر بگوییم این مسجد به تعداد انگشتان دست نمازگزار ندارد، دروغ نگفته‌ام و اگر بگوییم به تعداد انگشتان یک دست نمازگزار دارد، کلام صحیح‌تر است. آفریقا وسعت افقی دارد نه عمودی. اگر شما یک مسجد در میدان ونک بسازید، یقیناً ظهرها ۲ هزار نفر می‌آیند و نماز می‌خوانند و شما پولتان را هدر نداده‌اید اما اگر این پول را در روستا خرج کنید، پولتان را هدر داده‌اید. من به کمک یک شخص حقیقی نه حقوقی یک مسجد در شهر آکرا ساختم. ۱۰۰ متر با هزینه ۱۰ هزار دلار ساخته شد؛ یعنی هر متر ۱۰۰ دلار. حساب کردم با این پولی که برای ساخت آن مسجد خاص شده می‌شد ۱۰۰ مسجد ۱۰۰ متری در جای جای شهر آکرا و روستاهای غنا ساخت که آنها را به دانش‌آموختگان بدهیم که تبلیغ کنند و دین را یاد بدهند. هم مدرسه و هم مسجد است. اگر یک جا یک و نیم میلیون دلار برای یک مسجد هزینه شود، هدر دادن پول است. به سازنده هم قبل از ساخته شدن گفته‌اند ولی توجه نکرده و گوشش بدهکار نبوده است. الان نمی‌دانند که با این مسجد چه کنند.

مسئولی از وزارتخانه‌ای به یک مرکز فرهنگی که کلاً ۱۰۰ دانش‌آموز دارد می‌رود و استادان می‌گویند که ما لپ‌تاپ نداریم. سریع ۲۰ هزار دلار در اختیار مدیر آن مدرسه قرار می‌دهند لپ‌تاپ بخرند. افرادی که یقین دارم از آن لپ‌تاپ‌ها

استفاده نمی‌کنند و ضرورتی برایشان ندارد. عزیزان! می‌دانید که سخاوت داشتن از جیب خود ممدوح است ولی سخاوت داشتن از بیت‌المال ممدوح نیست. می‌گویند از ردیف کمک‌های توسعه‌ای به کشور «توگو» یک و نیم میلیون دلار پول داده‌ایم و دانشگاهی در یکی از شهرهای دور افتاده آن کشور ساخته‌ایم. نه پایتخت توگوست و نه جایی است که ما به آن اشراف داشته باشیم. فقط ساخته‌ایم و رها کرده‌ایم و برگشته‌ایم. بعداً شنیدیم که یک و نیم میلیارد دیگر هم برای این کار تصویب شده است که ما ۳ میلیون دلار هزینه کنیم و صرفاً دانشگاهی برای کشوری بسازیم و رها کنیم. در حالی که نهایت کاری که خواهند کرد این است که یک تابلو بزنند که این ساختمان توسط جمهوری اسلامی ایران ساخته شده است. این چقدر دین و فرهنگ ما را رواج می‌دهد؟ جامعةالمصطفی خرج می‌کند و استاد از اینجا می‌برد و فرهنگ اسلام و انقلاب را رواج می‌دهد ولی اینکه ما صرفاً ساختمان بسازیم، جالب نیست. یکبار پیشنهاد کردم، به شخصی که این قراردادها را می‌پذیرد، بگویند یک‌هزارم از مبلغ قرارداد (نه ۱۰ درصد یا یک درصد) از حقوق خودش کم می‌شود. در این صورت ببینید که چقدر از این قراردادها بسته خواهد شد؟

مؤسسه‌ای که من اسمش را نمی‌برم، به صورت مستمر و دائم در کشورهای آفریقایی برای نشر اسلام پول خرج می‌کند. علاوه بر اینکه نماینده جامعةالمصطفی بوده‌ام، دو سال نماینده آنجا هم بوده‌ام و دیده‌ام که کسانی مثل خود بنده کارشان این بوده است که پول از این طرف می‌گرفتند و به بومی‌ها می‌دادند و تمام. نه در عوض کار می‌کشیدند؛ نه اشراف جدی داشتند. باید پول در مقابل کار باشد؛ یا کار فرهنگی یا کار اقتصادی. می‌خواهم این نکته را بگویم که ما اگر در آفریقا فقط پول ببریم و به اینها بدهیم و بخورند، کمکی نکرده‌ایم؛ لطفی نکرده‌ایم؛ بلکه به اینها

خیانت کرده‌ایم؛ چون یکی از علت‌های اصلی فقر مردم آفریقا، تنبلی است. هر چیزی که تنبلی اینها را نگه دارد یا تقویت کند، خیانت است. دقیقاً مثل معلمی که خوب درس ندهد و امتحان جدی هم نگیرد اما نمرات بالا به دانش‌آموزان بی‌سوادش بدهد. این لطف نیست؛ این رحمت نیست؛ این خیانت است. نظرم این است که سفارتخانه‌های ما، رایزنی‌های ما، جامعه‌المصطفای ما، جهاد سازندگی ما، جهاد کشاورزی ما و به‌طور کلی تمام سازمان‌های ما دیگر باید از دید کمیت‌ه امدادی بیرون بیایند؛ کار کنند و متخصص ببرند و علوم را در آنجا رواج بدهند. اینکه فقط پول ببریم و خرج کنیم، ما را به جایی نمی‌رساند و این روش، روش صحیحی نیست.

رقابت بین اسلام و مسیحیت

آخرین نکته درباره اینکه اشاره کردند که قرار است نشستی درباره رقابت مسیحیت و اسلام در کشورها داشته باشید، من خیلی مختصر عرض می‌کنم که مسیحیت برای تبلیغ دین خودش خیلی کار می‌کند؛ هم از قدرت سیاسی‌اش و هم از قدرت مالی‌اش استفاده می‌کند. بسیاری از مسلمان‌هایی که مسیحی می‌شوند به خاطر فقرشان است. می‌بینند که مسیحی‌ها کمک می‌کنند. از طرفی دین مسیحیت، دینی است که تکلیف و زحمتی ندارد؛ لذا خیلی‌ها می‌گویند که ما می‌خواهیم دین دار باشیم و دین مسیحیت را انتخاب می‌کنند. اما از طرف مقابل باید توجه داشت که آنها معارف صحیحی ندارند که با منطق و فطرت هماهنگ باشد و چون فطرت انسان‌ها حقیقت‌جوست، کسی که اهل مطالعه و تحقیق باشد، می‌بیند که چیزی ندارند. من یک‌بار به جلسه کلیسا رفتم و مراسم‌شان را دیدم. نهایت یک‌سری موسیقی بود و یک‌سری جملاتی که می‌گفتند. البته مسیحی‌ها استفاده

می‌کردند؛ من حتی سجده رفتن یک مسیحی در کلیسا و گریه‌کردنش را دیدم اما دین ما پر از مطالب معنوی در عقاید، احکام و دعاهاست و خیلی از آنها غنی‌تریم. مسیحی‌ها ظاهراً برنامه داشته‌اند که تا سال ۲۰۰۰ آفریقا را کاملاً مسیحی کنند که خوشبختانه نتوانستند این کار را انجام بدهند و تلاش‌های جمهوری اسلامی ایران - که خیلی بهتر از این می‌تواند باشد - خیلی مؤثر بوده است. مسلمان‌ها احساس قدرت کرده‌اند و احساس اینکه حامی دارند. از طرف دیگر می‌خواهم یک نکته بگویم که شاید بتوانیم بگوییم آن قدر مشترکات ادیان الهی مثل اسلام و مسیحیت زیاد است که ما خیلی وقت‌ها می‌توانیم به جای استفاده از کلمه رقابت و چالش و امثالش، بگوییم که مشترکات ما چیست و از طریق مشترکات وحدت و همزیستی مسالمت‌آمیز داشته باشیم و بیش از گذشته دوست باشیم. ما نشستی در این باره در دانشگاه غنا برگزار کردیم و گفتیم که ما بیش از اینکه اختلاف داشته باشیم، چه در میان مذاهب اسلامی و چه بین ادیان مختلف الهی، اشتراک داریم و می‌توانیم از اشتراکاتمان استفاده بکنیم و به اختلاف‌ها دامن نزنیم.

یک نکته هم خارج از این بحث‌ها بگویم. در جریان سفر پنج ساله‌ام، ایرانی‌ها را دیدم که علی‌رغم هوش بالایشان و غنای مختلفی که در زمینه‌های مختلف دارند، از لحاظ زبان‌آموزی کوتاهی می‌کنند. امت‌ها و ملت‌های دیگر که اسم بردم، مثلاً لبنانی‌ها یا چینی‌ها سعی می‌کنند غیر از زبان خودشان یکی دو زبان دیگر مثل فرانسوی و انگلیسی را یاد بگیرند. برای نیروهای ایرانی - که به خارج اعزام می‌شوند - باید شرطی بگذارند که زبان خارجی را به خوبی بلد باشند که چنین نیست. بسیاری از نیروهای اعزامی از سوی نهادهای مختلف با زبان اشاره و کنایه و مخلوط کردن زبان انگلیسی و فارسی صحبت می‌کنند و البته مقصودشان را می‌رسانند اما فرق می‌کند با اینکه انسان زبان خارجی بلد باشد.

پرسش و پاسخ

از آقای دکتر سپاسگزاریم که بحث را بسیار طبقه‌بندی شده، مرتب و با اشراف کاملی در شأن مجلس ارائه کردند که استفاده کردیم. نظرات توسعه‌ای و آسیب‌شناسی که ایشان برای آن، پنج سال زمان صرف کرده‌اند تا آن را جمع‌بندی و منتقل کنند، در سیاست‌های فرهنگی ما حتماً مد نظر قرار خواهد گرفت. مبادی تصمیم‌گیر در این زمینه حساس خواهند شد و پژوهشگاه هم در این زمینه وظیفه ذاتی دارد. ما این نشست‌ها را تدوین می‌کنیم و به مبادی تصمیم‌گیر در حوزه سیاست‌گذاری فرهنگی ارسال می‌کنیم. از سؤالات عزیزان استفاده خواهیم کرد.

پرسش: من اجمالاً برخی از نکاتی که فرمودید از دوستانی که در آفریقا کار کردند، شنیده بودم ولی توضیحاتی که به تفصیل گفته شد، خیلی دید خوبی در این یک ساعت به من داد. این نشست منتشر می‌شود و در اختیار مسئولان قرار می‌گیرد ولی من استفاده بیشتری مد نظر است که اگر امکان‌پذیر باشد، یک چشم‌انداز ۱۰ ساله برای کار در آفریقا نوشته شود. به نظرم با توجه به اینکه فرمودید نهادهای مختلف در آفریقا مشغول به کار هستند و نهادهای موازی فرهنگی حضور دارند، به نظرم جای این چشم‌انداز خالی است. به هر حال، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات باید راه را به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و سازمان‌های ذی‌ربط نشان دهد. *جامعة المصطفی* ارتباطات سازمانی با وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ندارد ولی به هر حال می‌تواند از محصولات آن استفاده کند و سازمان‌های دیگر هم استفاده کنند. آن دغدغه‌ای که دکتر داشتند یک دغدغه دینی و ملی است. با همین دغدغه اگر بتوانیم چشم‌اندازی برای ۱۰ سال آینده بنویسیم که هر سازمانی که خواست کار کند، این چشم‌انداز را پیش رو داشته باشد و به این سو حرکت کند و چه کسی بهتر از خود آقای دکتر قانع که سال‌ها در آنجا

بوده‌اند و کار کرده‌اند و این‌طور که از صحبت‌هایشان مشخص بود معلوم است که شبانه‌روز حرکت جهادی در آنجا داشته‌اند. لذا من به پژوهشگاه و آقای دکتر قانع پیشنهاد می‌دهم که اگر بتوانند دوستان دیگر را - که در آفریقا بوده‌اند - جذب کنند و بودجه‌ای بگذارند و کار گروهی انجام دهند. به هر حال، این موقعیت الان فراهم است و چه بسا از آن موقعیت‌های خوب باشد که قابل استفاده هستند. جناب عالی دوباره به دانشگاه برگشته‌اید و به کار تدریس و تحقیق می‌پردازید و شاید برای شما و دیگری که اطراف شما هستند، موقعیتی پیش بیاید که پراکنده شوند ولی این اثر می‌ماند. این نوشتار، مانیفستی برای هر کسی که بخواهد به آنجا برود می‌شود.

پاسخ: بله اگر من تجربه‌ای یا دانشی داشته باشم، از طرف جمهوری اسلامی ایران به دست آورده‌ام و قاعدتاً باید همین‌جا هم به استفاده برسانیم. من هر چقدر که خداوند توفیق بدهد، در این زمینه در خدمت شما هستم و کوتاهی نمی‌کنم.

پرسش: الان مستحضر هستید که دانشگاه جهان تأسیس شده است و در همه کشورها متخصص تربیت می‌کند. حتی الان کشور به کشور شده است. پیشنهادم این است که راهبرد فرهنگی منطقه‌ای یعنی همین که فرمودند با این رویکرد شروع شود. آقای دکتر اشاره نکردید که تأثیرات انقلاب اسلامی در وضعیت فرهنگی مردم آفریقا چیست؟ اگر می‌شود، اشاره‌ای بکنید. در مورد حضور ایران هم آغشته به گلابه فرمودید ولی مشخصاً اگر برنامه یا پیشنهادی راجع به بحث حرکت فرهنگی ما یا حرکت سیاسی دارید، بفرمایید که موضوع نشست کامل‌تر شود. در مورد حضور ایرانیان فقط یک جمله فرمودید. اگر به حضور ایرانی‌ها در حوزه‌های اقتصادی - فرهنگی بیشتر اشاره بفرمایید، ممنون می‌شوم.

پاسخ: از مطلب آخر شما شروع می‌کنم. درباره حضور ایرانی‌ها باید عرض کنم که ما الان در کشور غنا تاجری داریم که ۱۳ سال است حضور دارد و کارش

واردات و صادرات کالا از کشور غنا به کشورهای دیگر و برعکس و از جمله ایران است. نمایندگی «شیرین عسل» را هم دارد. به ایران کاکائو می‌آورد و محصولات شیرین عسل را برمی‌گرداند. یکی دو نفر هم اخیراً کارخانه تولید روغن برای استفاده ماشین‌ها تأسیس کرده‌اند و پیش‌بینی خوبی هم برای کارشان کرده‌اند که موفق خواهند شد. من اشاره کردم که زندگی دنیا نیازمند صنعت است و مردم آفریقا مثل مردم بقیه کشورها از وسیله نقلیه دوچرخه گرفته تا ماشین و غیره به همه چیز احتیاج دارند. الان این لوازم وارد کشورشان می‌شود و هم صنعت ساختش را ندارند و هم صنعت تعمیرش موجود نیست. اگر ماشین‌شان خراب شود، نمی‌توانند تعمیر کنند لذا تأسیس مدارس فنی و صنعتی در آن کشورها بسیار مفید است. هم خدمتی به آنهاست هم ما علم خود را به آنجا برده‌ایم.

اگر رشته علوم اسلامی تأسیس می‌کنیم، خیلی نمی‌توانیم شهریه از دانش‌آموزان بگیریم ولی درباره این‌گونه رشته‌ها چون دانشجویانش و دانش‌آموزانش می‌بینند که بعد از یکی دو سال دیگر می‌توانند به پول برسند، می‌شود از آنها شهریه گرفت؛ یعنی مجانی کار نکنیم و برویم آنجا مؤسسه‌ای تأسیس بکنیم. آموزش عالی رشته طب و پرستاری در آنجا تأسیس بکند. کسی که به همه رشته‌های دانشگاهی مجوز می‌داد، به خود من در داخل دانشگاه اسلامی گفت اگر شما رشته پزشکی در دانشگاه اسلامی تأسیس بکنید، ما یک‌روزه به شما مجوز می‌دهیم. در حالی که گرفتن مجوز از رشته‌های دیگر معمولاً یک تا سه سال طول می‌کشد. جمهوری اسلامی باید سراغ رشته‌های دیگر برود البته کار بازرگانی هم امکان دارد. اشاره کردم که الان دو سه مورد بیشتر نیست. خلاصه، سفارتخانه ما باید فعال شود. من داخل کشور نگشتم و کار تجاری نکردم. این چیزی بوده است که من دیده‌ام. نامه‌ای هم همان سال اول از کشور سیرالئون خطاب به سازمان مدارس اسلامی نوشتم. در آن ۱۴ محور را باز کردم که ما

می‌توانیم در این کشور در این محورها کار کنیم. وجود سفارت ما در آنجا یعنی این ۱۴ محور را فعال کردن؛ نه اینکه صرفاً سفیری و کارمندی باشد و چند جلسه شرکت کند و بگوییم جمهوری اسلامی ایران حضور دارد.

در مورد تأثیر جمهوری اسلامی ایران باید بگوییم که الحمدلله شیعه زیادی در آن کشورها وجود دارد. بعضی آمارها غلط‌انداز است. یک‌بار گفته بودند که یک میلیون شیعه در کشور غنا هست. من می‌گویم که این درست نیست ولی حالا ۱۰ یا ۲۰ هزار نفر هم که باشند، در دانشگاه‌های ما دین و تشیع را یاد گرفته‌اند؛ چه آنهایی که در حوزه‌ها و مدارس تأسیس شده توسط ما در آنجا تربیت شده‌اند و چه آنهایی که به ایران آمده و تحت تعلیم قرار گرفته‌اند. ما اعتقاد داریم که اسلام واقعی همان مذهب اهل بیت(ع) است. این خواست جمهوری اسلامی ایران حاصل شده است و خیل عظیمی از افراد واقعاً شیعه شده‌اند و خانواده آنها هم همین‌طور. عده زیادی هم هستند که شیعه نیستند ولی وقتی که مدارس و افکار ما را دیدند و با تعلیم و تربیت ما آشنا شدند، حداقل می‌فهمند آن تبلیغات خصمانه - که دشمن علیه ما داشته است - دروغ است. الان هم این تبلیغات خصمانه ادامه دارد. وهابی‌ها فیلمی در کشور نیجریه ساخته بودند و چند مراسم قمه‌زنی را نشان داده و گفته بودند که شیعه این است. وقتی اینها در دانشگاه اسلامی ما مثلاً مدیریت بازرگانی را می‌خوانند، در کنارش هم ۲۰ واحد درسی عقاید و اخلاق، احکام و تاریخ اسلام را می‌خوانند، بعد که این فیلم را می‌بینند، می‌فهمند که شیعه این نیست که گفته می‌شود و اینها دروغ است.

می‌خواهم بگویم که خیلی‌ها شیعه نشده‌اند ولی فکرشان نسبت به شیعه عوض شده است و همراه ما شده‌اند. ما در کشور سیرالئون و غنا وقتی که با خیلی از لبنانی‌ها و آفریقایی‌ها صحبت می‌کنیم، می‌گویند: «الجمهورية الإسلامية الإيرانية المباركة».

این «مبارکه» را از کلامشان نمی‌اندازند و این نشانگر این است که به جمهوری اسلامی امیدوار هستند و جمهوری اسلامی هم به اینها کمک کرده است. بعضی جاها باید پول خرج کرد ولی وقتی که بزرگ شد باید بگوییم که خودت برو و از این مواهب طبیعت استفاده بکن. لذا تأثیر مثبت بوده است. در ایام فتنه که ما آنجا بودیم، جلسه‌ای بود و اینها از کانال‌های مختلف مطالبی می‌شنیدند. قبل از اینکه من شرحی و توضیحی برای افراد داشته باشم، یکی از رؤسای قبایل - که در آنجا «چیف» نامیده می‌شوند و در دانشگاه ما درس نخوانده بود و فقط با سفارت و رایزنی ارتباطی داشت - گفت: «من قبل از اینکه فلانی جواب بگوید، به شما بگویم که این تبلیغات - که شما در برخی از کانال‌ها می‌بینید - یک‌طرفه است.» خوب، همان‌طور که الان در سوریه هم تبلیغات یک‌طرفه نشان می‌دهند، آن موقع هم مثلاً سی‌ان‌ان یا بی‌بی‌سی یا الجزیره فقط تبلیغات خاصی را نشان می‌دادند. آن بنده خدا از جمهوری اسلامی دفاع کرد و این نشان می‌دهد که اجمالاً تأثیر خیلی خوب بوده است ولی می‌تواند خیلی بهتر از این باشد.